

دختران انتظار

سکینه؛ زنی که در زندان نمرود



بهاره رهنما

● سکینه شاید تاکنون مسن‌ترین زن زندانی مالی ایران بوده که به همت کمپین ارمنغان آزاد شده است؛ پیرزن ۷۰ ساله‌ای که در جوانی و تا زمانی که روی پا بود، مستخدم مدرسه بود و خیلی از دخترهای جوان خاطرات خوبی از سال‌های مدرسه و مادر دوست‌داشتنی مدرسه، سکینه‌جان، داشتند.

خلاصه اینکه همه عمر با عزت و آبرو زندگی کرده بود تا اینکه حدوداً هشت سال پیش برای عروسی فرزند پسرش از دو صندوق مالی، اعتباری دو مبلغ سه میلیون‌تومانی وام می‌گیرد، اما به دلیل عدم تسویه وام و برگشت‌خوردن چک متاسفانه به زندان می‌افتد! اما به کمک ستاد دیه سه میلیون تومان در سال اول تهیه و بدهی اول این زن آبرومند ادا می‌شود! اما سه میلیون تومان دیگری باقی می‌ماند و در عرض چند سال این بدهی و این وام به دلیل عدم پرداخت به ۱۵ میلیون تومان می‌رسد.

شاکی دوم سکینه‌خاتون که همسایه‌اش بود، ایشان را به زندان انداخت و با کمال تعجب بچه‌ها هم هیچ کمکی نکردند یا شاید هم گرفتاری‌های زندگی خودشان مجال کمک به مادر را نداد، اما به کمک کمپین ارمنغان در مدت ۲۴ ساعت مشکل سالیان‌سال سکینه‌خاتون حل شد. با کمک مردم مبلغ بدهی تأمین شد و سکینه به خانه برگشت! آرزوی او این بود که فقط در زندان نمرود و آن‌قدری خدا به او آبرو و عزت بدهد که به خانه‌اش برگردد و چندسال باقی‌مانده از عمرش را زیر سقفی امن سپری کند.

سکینه می‌گفت کاش آدم‌ها فکر نکنند گرفتن وام به همین سادگی است، اگر توان بازپرداختش را نداشته باشند، این گلوله می‌بزرگ‌تر می‌شود و یک جایی راه نفشان را می‌گیرد!

داستان سکینه آن قدر سهل و درعین‌حال ممتنع بود که با شنیدنش این جمله مرتب در ذهن ما تکرار می‌شود: مگر ممکن است؟ مگر ممکن است؟ مگر ممکن است؟

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۷ • ۱۵ رمضان ۱۴۳۹ • ۳۱ می ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۶۲ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۳۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۶ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

روزنامه‌فرو

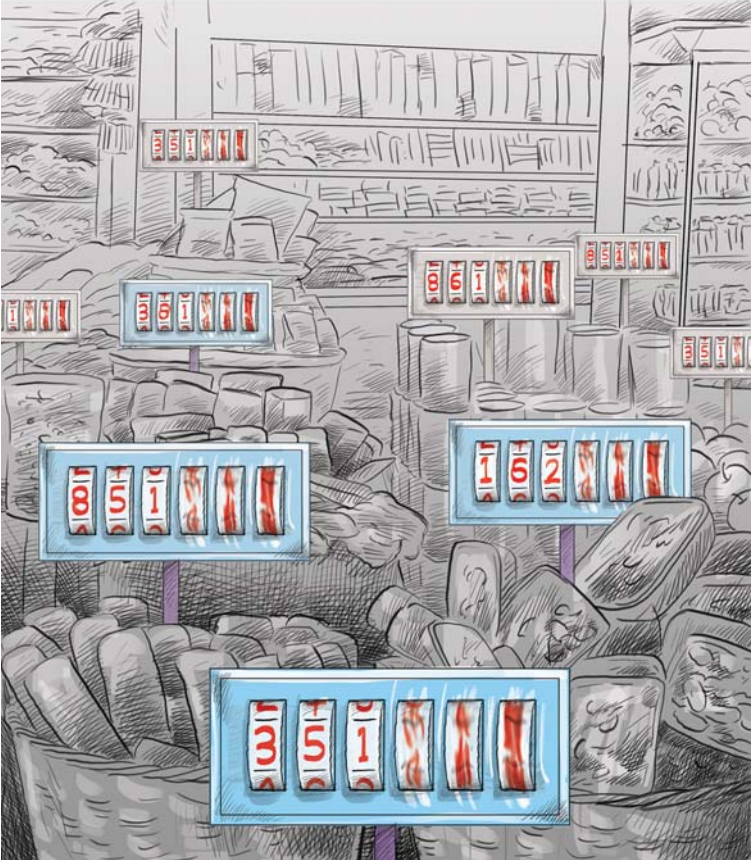
fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



جلال پیرمرز آباد

جهانگیری: برای دولت قابل قبول نیست که قیمت کالاها به بهانه قیمت ارز افزایش یابد



سلام به فردا

مقابله با تهدیدهای آمریکا چگونه باشد؟

تجاوز بی‌شرمانه نمی‌تواند زیر بار حکومت بعثی/ وهابی دیگری در عراق برود.

اما در سرمقاله «شرق» دوم خرداد ۹۷ به قلم آقای سیدمصطفی میرحمیدی، عضو هیئت علمی دانشگاه مفید، آمده است که ایشان در پاسخ انتقال سفارت آمریکا به قدس که به کل مسئله فلسطین بازمی‌گردد، به جای خشم‌گرفتن به قانون استناد کرده است. چند وقت پیش که جماعتی ایرانی از پیروان شخصیتی با نوعی نگاه فرقه‌ای متفاوت در ساعت تعطیل سفارت ایران در لندن با نردبان

تاشو به سایبان سردر سفارت ایران رفته و با پایین‌کشیدن پرچم دوعاستی شعار داده بودند، این عمل با واکنش شدیداً اعتراض‌آمیز و قانونی سخنگوی وزارت امور خارجه مواجه شد که حفاظت سفارتخانه‌ها را برعهده کشور می‌زبان می‌داند و خصوصاً این‌که در حضور پلیس رخ داده بود، معترض بودند، البته پلیسی در صحنه دیده می‌شد و دوعاسته قضیه برچیده شد. این اعتراض وارد بود. حال فرض کنید اگر در یونان سفارت ژاپن واقعا در حضور پلیس یونان توسط گروهی یونانی



شناخته‌شده اشغال شود و خسارات مالی و شکستن و بردن و سوزاندن هم به بار آید، میزان مسئولیت چه اندازه خواهد بود. اعتراض وزارت امور خارجه به دولت انگلیس برای آن تعرض بدون ورود دوعاسته گروهی ایرانی در سفارت ایران در لندن، بیشتر رنگ یادآوری به آن دلباوسان ایرانی سفارت‌نورد را داشت. می‌خواهم بگویم راه‌حل، قرارگرفتن با متانند در پناه قوانین و حقوق بین‌الملل و احترام‌را از بهانه‌دادن با توسل به شیوه‌های خلاف همان قوانین است.



فریدون مجلسی

این روزها آمریکا با انتقال سفارتش به قدس، خشم فلسطینی‌ها و جهان اسلام را برانگیخته و با اعلام ۱۲ فقره شروط پیش‌نیاز هرگونه مذاکره با ایران، عملاً راه مذاکره و دیپلماسی را مسدود کرده است. وقتی راه دیپلماسی بسته شود، چه راهی باقی می‌ماند؟ از جنگ و ویرانی به‌عنوان راه‌حل نهایی نام می‌برند که البته حذف مسئله یا سوزاندن صورت مسئله راه‌حل نیست. مدت‌هاست تلاش می‌شود ایران را به جنگی تدریجی و فرسایشی در داخل و خارج بکشانند تا منابع مالی کشور تحلیل رود. درست است که اکنون ایرانیان از شرط‌گذاری اهانت‌آمیز آمریکا به خشم آمده‌اند و فریاد دشنام برخاسته است، اما دشنام و پاسخ خشنم‌اک که فقط می‌تواند دیگران را هم از نزدیک شدن به ایران

برگیراند، راه‌حل نیست، بلکه راهی است به همان دامی که برای بهره‌برداری در این مسیر گسترانده‌اند. باید شرط‌ها را دقیقاً خواند و پاسخ روشن و محکم داد. اگر می‌گویند طالبان را ایران ساخته است، هرچند پاسخ را خودشان هم می‌دانند، اما باید به مردم داخل و خارج کشور گفت طالبان تولیدی ضدایرانی با همکاری عربستان و اطلاعات ارتش پاکستان بوده است که نهایتاً به افغانستان به‌عنوان لقمه‌ای در جایگاه «فضای حیاتی» می‌نگرد. آغاز طالبان با قتل

میان شروط آن را که به انتهای فهرست برده بودند، می‌توان عنصر و انگیزه اصلی این تهدیدها دانست که رفع تهدید نسبت به اسرائیل است که حضورنداشتن در سوریه و عراق و حتی موضوع موشک‌های تدافعی نیز وابسته به آن است. عدم روابط نزدیک ایران و عراق که درواقع شرط عربستان است، به‌منظور بازگرداندن حاکمیت اقلیتی سنی مورد علاقه عربستان است، بدون آنکه حتی مسئولیت‌های مشترک خود را در جنگ صدام پذیرا باشد که ایران آسیب‌دیده از آن

میدون و سوفیا

ایران در تولید آثار باستانی خودکفا شد

پوریا عالمی

● «یک دادستان منطقه‌ای در ایالت نیویورک آمریکا درخواست کرده یک اثر تاریخی نقش‌برجسته ۲۰۰سالته‌تری را به ایران بازگرداند، چون به گفته او «مروقه» است. این اثر که قدمت‌ش به ۲۵۰۰ سال پیش برمی‌گردد، برای شش دهه در موزه مونترال کانادا بوده است». بابای سوفیا این خبر را خواند و گفت: این آمریکایی‌ها یک نیم‌کاسه‌ای زیر کاسه‌شان است. اگر رنگی به کفششان نیست چرا این اثر تاریخی را می‌خواهند برگردانند؟ من خیلی مشکوکم.

من گفتم: اثر تاریخی و عتیقه ایران است، طرف خودش می‌خواهد پیش بدهد، شما مشکل داری؟ بابای سوفیا گفت: اینها به جانوران رحم نمی‌کنند و ازشان کار جاسوسی می‌کنند. ما نباید این اثر را پس بگیریم. گفتم: خدایا شکرت. در طول سالیان گذشته هرچی اثر تاریخی داشتیم به صورت مشکوک از مرزها خارج شده، هر اثری هم که از خارج آوردیم اصلش نبوده و کپی‌اش را به ما قرض دادند، هیچ اثری را هم که مالکیتش مال ایران بوده نتوانسته‌ایم پس بگیریم، حالا یک داستان آمریکایی خواب‌نما شده و می‌خواهد یک قطعه را به ما برگرداند. توجه کنید که ما اصلاً روحمان خبر نداشته که آن اثر توی آمریکا‌ست، بعد پس نمی‌گیریم.

بابای سوفیا گفت: ایران ۱۲ هزار سال تاریخ دارد و هرچا چهار متر زمین را بکنی به کنج می‌رسی. همین تخت‌جمشید، همین معبد آناهیتا، همین قبرستان چی‌چی‌آباد، همین شوش، اصلاً هرچا راه می‌روی آثار باستانی است. بعد این آمریکایی‌ها دارند منت یک اثر ۲۰۰سالته‌تری را می‌گذارند سر ما؟ ما سر ستون تخت‌جمشیدمان را چند سال پیش کش رفتند ککمان نگزدی.

گفتم: الان اینکه آثار تاریخی ما بی‌صاحب کف زمین مانده و نگهداری نمی‌شوند و روی ارزش‌های تاریخی که هیچی، روی ارزش‌های توریستی آن و جاذبه گردشگری‌اش سرمایه‌گذاری نمی‌شود، افتخار ماست؟

بابای سوفیا گفت: نه پس. می‌خواستی مثل این فرانسوی‌ها یک برج ایفل داشته باشیم که با آهن درست کردند؟ فرانسه دیگر چی دارد؟ یا مثل آلمانی‌ها می‌خواستی سوسیس آلمانی افتخار ما باشد؟ یا مثل چینی‌ها چون هیچ تاریخی ندارند می‌خواستی یک دیوار را برداریم بگذاریم روی سرمان؟ نه عزیزم... ما ایرانی هستیم... تنها تمدن متمدن جهان. باقی تمدن‌ها تمدن نداشته‌اند. الان هم من بهت می‌گویم میدون دوم... نه این قطعه طلای ۲۰۰سالته‌تری را باید به ایران برگردانند، نه هیچ اثر تاریخی دیگری را. ما هیچ تپه‌ای نیست که فتح نکرده باشیم. ما در تولید آثار تاریخی به خودکفایی رسیدیم...»

گفتم: با این سطح استدلالی که کردی واقعا به رنگ‌آمیزی متافیزیکی روح اعتقاد داری؟ چون می‌خواهم بگویم روح رنگی باد.

جمع‌بندی: سوفیا... عشق من... ما خودمان در این سال‌ها می‌دانی چقدر آثار تاریخی افتتاح کردیم؟ می‌دانی هر بنا و پل و سدی که در این سال‌ها افتتاح کردیم عملاً اثر تاریخی است، چون از لحظه افتتاح غیرقابل‌استفاده است؟ قربان تو، عاشق عتیقه تو، میدون دوم.

آکادمی

نوکیا شکست خورد چون ما انسانیم!



وحید شامخی
مشاور مدیریت استراتژیک

خیلی از ما وسیله‌ای به نام موبایل را با برند نوکیا شناختیم. سال‌ها نوکیا بکه‌تاز صنعت گوشی تلفن همراه بود و همه منتظر بودیم تا ببینیم گوشی جدید بعدی چه ویژگی‌ها و امکاناتی دارد. به‌خاطر دارم که یکی از هم‌کلاسی‌هایمان در دانشگاه، گوشی نوکیایی به نام ۶۶۰۰ را تازه خرید

بود (جدیدترین مدل آن زمان) که از دوربینش برای تقلب سر جلسه امتحان استفاده کرد و همه دهان‌مان از تعجب باز مانده بود که دوربین این گوشی چنان کیفیتی دارد که می‌شود از برکه بغل‌دستی عکس گرفت و همان را خواند و نوشت! تا پیش از آن دوربین گوشی‌ها یک تصویر شبیه واقعیت و کم‌کیفیت را به‌عنوان عکس نشان‌مان می‌دادند. نوکیا سیستم‌عاملی به نام سیمبین برای خود داشت و همه گوشی‌هایش را با این سیستم‌عامل عرضه می‌کرد. تا سال ۲۰۱۱ هم روی سیستم‌عامل خودش یافشاری کرد تا یک دفعه تصمیم گرفت به جای سیستم‌عامل سیمبین از سیستم‌عامل ویندوز برای گوشی‌های جدیدش استفاده کند. این روند هم خیلی به طول نینجامید تا نهایتاً در سال ۲۰۱۳ این بخش کسب‌وکارش را واگذار کرد. گرچه یکی، دو سال است که نوکیا با برنامه‌های جدیدی دوباره تلاش می‌کند سهمی از بازار گوشی‌های تلفن همراه را از آن خود کند، اما اینکه چه شد که با ظهور اولین آیفون اپل در سال ۲۰۰۷ و سیستم‌عامل اندروید گوگل رفته‌رفته اقتدار و برتری نوکیا از میان رفت و حتی به توقف تولید گوشی موبایل نوکیا منجر شد، سؤالی است که خیلی از محققان و تحلیلگران را به خود مشغول کرده است و تحلیل‌ها و نظریات مختلفی نیز وجود دارد. اما یکی از جالب‌ترین تحلیل‌هایی که در این ارتباط به تازگی منتشر شده است، نتایج مطالعات مشترکی میان یک دانشگاه فنلاندی و مدرسه کسب‌وکار معتبر اینسید فرانسه است. این نتایج حرف‌های جالب و شنیدنی را در قالب سه نکته طرح می‌کند که خود حاصل ۱۲۰ مصاحبه است که ۹ تای این مصاحبه‌ها با اعضای هیئت‌مدیره و ۱۹ تای آن با مدیران ارشد نوکیا بوده است. اما این سه نکته چیست؟ نکته اول بر سر این است که در آن بازه زمانی فضای اعتماد، مثبت و سازنده برای گفت‌وگوها و بحث‌های جدی و راهبردی وجود نداشت. یکی از مدیران ارشد نوکیا نقل می‌کند که بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱، خیلی از اعضای هیئت‌مدیره احساس می‌کردند که دیگر نمی‌توانند راحت و آزاد صحبت کنند و نتیجه‌اش این بود که تهدیدات اپل و گوگل به میزان کافی منتقل نمی‌شد و برنامه مناسبی برایش در نظر گرفته نشد! نکته دوم این بود که به صورت احساسی مدیران به سیستم‌عامل سیمبین وابسته شده بودند و کسی به خودش اجازه نمی‌داد به گزینه دیگری فکر کند. وقتی هم در سال ۲۰۱۲ با تغییر مدیریت به فکر افتادند، دیگر خیلی دیر شده بود! نکته آخر اینکه تحلیل‌ها و تصمیمات براساس داده‌های واقعی نبود و بیشتر حسی و شخصی بود. نقل می‌شود که وقتی نوکیا تصمیم گرفت به‌جای سیمبین از سیستم‌عامل جدیدی استفاده کند، نوکیا از مدیران سیستم‌عامل ویندوز و پیشنهاده می‌دادند. این در حالی بود که داده‌ها و شواهد واقعی افق روشنی برای سیستم‌عامل ویندوز نشان نمی‌داد و موفقیت این سیستم‌عامل بسیار بعید به نظر می‌رسید. اما نوکیا ویندوز را در گوشی‌هایش استفاده کرد و نتیجه‌اش هم شکست کاملش در سال ۲۰۱۳ بود. سه نکته‌ای که به‌عنوان عوامل شکست نوکیا ذکر شد، می‌تواند عوامل شکست هر شرکت، سازمان یا حتی نهاد اجتماعی باشد. اعتماد و احترام متقابل، وابستگی احساسی افراطی به آنچه دیگر امروز کارکردی ندارد و تصمیم‌گیری‌های حسی و شخصی غیر داده محور می‌تواند موجب زمین‌خوردن و شکست ما شود. نوکیا از منظر فناوری و زیرساخت چیزی کم نداشت؛ آنچه کم داشت، توجه بیشتر به بُعد انسانی تصمیم‌گیرانش بود؛ ضعف‌هایی که هیچ انسانی را از آن مفری نیست مگر با آگاهی از وجود چنین ضعف‌هایی! مگر با پذیرش اینکه شاید دارم اشتباه می‌کنم! شاید بقیه هم حرف‌های خوبی برای گفتن داشته باشند!

خبر

مردوخ‌ی تشییع شد



پیکر زنده‌یاد «ناصر یمین مردوخ‌ی کردستانی» صبح چهارشنبه، ۹ خرداد، با حضور خانواده، دوستان‌ان و اهالی رسانه از مقابل ساختمان سایت خبری پارسینه، واقع در بلوار کشاورز به سمت بهشت زهرا (س) تشییع شد.

«ناصر یمین‌مردوخ‌ی کردستانی»؛ روزنامه‌نگار و از پیش‌کسوتان رسانه، پس از حدود شش دهه

فعالیت مطبوعاتی به‌تازگی دار فانی را وداع گفته است. او سال گذشته نیز به علت عارضه کبدی در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری و تحت درمان قرار گرفته بود.

مردوخ‌ی کردستانی، پیش‌کسوت اصحاب رسانه، با سابقه ۶۴ سال روزنامه‌نگاری، سردبیری دو سایت خبری را برعهده داشت و با حکم ولی‌اله سیف؛ مدیرکل بانک مرکزی، به سمت مشاور رسانه‌ای رئیس کل بانک مرکزی منصوب شده بود.